

ارزیابی سیاست کیفری ایران در برابر قاچاق مسلحانه مواد مخدر و روان گردان از چشم انداز امنیت اجتماعی

سید محمد حسینی*

عبدالوحید زاهدی**

سید مرتضی حسینی***

تاریخ تألیف: ۱۴۰۰/۸/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۱۳

۱۳۱

چکیده

امنیت اجتماعی یکی از مطالبات مهم شهروندان از حاکمیت‌ها به شمار می‌رود. این نوشتار درصدد است تا تحقق امنیت اجتماعی را در سیاست کیفری ایران در برابر قاچاق مسلحانه مواد مخدر و روان گردان بررسی کند. این دانش — واژه با نبود تهدید مفهوم می‌یابد. بایسته‌های تحقق امنیت اجتماعی در مبارزه با قاچاق مسلحانه مواد مخدر روزآمدسازی مداوم رویکردهای سیاست کیفری ایران در این باره، در نظر داشتن چگونگی پاسخ‌دهی به این جرم در پرتو پیمایش‌های اجتماعی و مبارزه با جرایم دولتی در قلمرو پاسخ‌دهی به آن است. تعارضات شناختی خرده فرهنگی، بی‌اعتمادی به توانمندی‌های نظام عدالت کیفری، پررنگ بودن ترس از جرم و تسری آن به قاچاق مسلحانه مواد مخدر و اعدام باوری مطلق برخی از شهروندان در جرایم مواد مخدر، مهم ترین چالش‌های این هدف به شمار می‌رود. راهبردهای مدیریت این چالش‌ها نیز روزآمدسازی مبارزه با قاچاق مسلحانه مواد مخدر، آگاه‌سازی جامعه از مخاطرات این جرم و مدیریت ترس از جرم یادشده است. پیروزمندی در این راه پیامدهای سازنده‌ای را همانند مشارکتی‌سازی پاسخ‌دهی به این جرم، مدیریت کیفری دیگر گونه‌های جرایم مواد مخدر، توانمندی در مدیریت دیگر جرایم پرریسک، به‌زمامداری کیفری، افزایش سرمایه اجتماعی و

* استادیار دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب/ نویسنده مسئول (drsmh285@yahoo.com).

** استادیار دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب (aahedi.abdolvahid@gmail.com).

*** دکتری رشته جرم‌شناسی و حقوق جزا، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب

(h.seyedmir92@gmail.com).

نمایش امکان سازگاری با جهانی شدن کیفرشناسی به همراه دریافته است. این پژوهش دریافته است که سیاست کیفری مناسب در برابر قاچاق مسلحانه مواد مخدر، به پایداری آشکار امنیت اجتماعی منجر می شود. کانون این واکنش نیز از جمله چگونگی اصدار و نیز پیاده سازی مجازات اعدام برای این مرتکبان با نگرستن به دیدگاه های افکار عمومی در این باره است.

واژگان کلیدی: مجازات اعدام، قاچاق مواد مخدر، امنیت اجتماعی، سیاست کیفری، نظام عدالت کیفری، احساس امنیت، ترس از جرم.

مقدمه

در آغاز هزاره سوم میلادی، چالش های مجرمانه گوناگونی کشورها را آماج خود قرار داده است. گروه های سازمان یافته بزهکاری بین المللی در سرتاسر جهان با استفاده از فناوری های نوین اطلاعات و ارتباط مقاصد بزهکارانه خود را دنبال نموده از این راه چالش های بسیاری را برای سامانه های عدالت کیفری ملی و فراملی پدید می آورند.

در هنگام برنامه ریزی کنش های نظام عدالت کیفری در برابر پدیده های گوناگون بزهکاری و آسیب های اجتماعی باید در نظر داشت که همه انسان ها در طول زندگی خود در ارتکاب رفتارهای جامعه ستیزانه مشارکت دارند (Piquero, 2016, p.16) از همین رو، پیش بینی مناسب ترین و کارآمدترین پاسخ ها در برابر بزهکاری در شمار رسالت های بنیادین نظام های عدالت کیفری است تا از این راه مدیریت کیفری جامعه به خوبی برقرار شود.

مدیریت کیفری جامعه یکی از مطالبات مهم شهروندان از حاکمیت هاست. ناگفته پیداست که دانش جرم شناسی می تواند برای کنترل رفتارهایی که جرم به شمار می آیند راهکارهای مهمی را تعریف کند (Munchi & Maclaughlin, 2013, p.206) بدین ترتیب هر یک از گونه های سیاست کیفری در برابر جرایم گوناگون باید به اندازه لازم از پیشرفت های نظری نوین در قلمرو جنایی برخوردار باشند تا در روند انجام رسالت خود بیشترین میزان رضایتمندی افکار عمومی را به طور علمی و بدون روی آوردن به رهیافت های عوام گرایی کیفری محقق سازند.

در سرتاسر تاریخ، استعمال مواد مخدر کژکارکردی آشکار در سرتاسر جهان بوده است. صرف نظر از نگاه های سودجویانه برخی از جوامع، بسیاری از نظام های عدالت کیفری کوشیده اند تا

با پیاده‌سازی راهبردهای مناسبی و عملیاتی به مهار این پدیده بپردازند.

آنچه ضرورت توانمندسازی این راهبرد نظام عدالت کیفری را پررنگ تر می‌کند، پیامدهای گوناگون جرم‌شناختی ناشی از مواد مخدر است که از جمله امنیت را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و عینی‌ترین مطالبات شهروندان از سامانه‌های حاکمیتی به چالش کشیده و سبب می‌شود که جرایم مواد مخدر بیش از پیش افزون بر جایگاه مخاطره‌آمیز خود در مفهوم جرم‌شناختی جرایم بازدارنده نیز جای گیرد.

پیشینه استعمال مواد مخدر در ایران و نزدیکی آن به یکی از کانون‌های مهم تولید این مواد در دنیا — افغانستان — سبب شده که دست اندرکاران نظام عدالت کیفری کشورمان از آغازین روزهای قانونگذاری کیفری مدرن در کشورمان به ارزش‌گذاری کیفری این رفتارهای جامعه‌ستیزانه بپردازند.

۱۳۳

با وجود این گوناگونی راهبردهای فراروی جرایم مواد مخدر و استفاده از پاسخ‌های عمدتاً سرکوبنده، خود چالش‌های گوناگونی را از چشم‌انداز شاخه‌های علوم جنایی و به‌ویژه جرم‌شناسی، کیفرشناسی و جامعه‌شناسی جنایی به‌همراه آورده است. از همین‌رو در دهه نود خورشیدی سیاست جنایی ایران با تصویب ماده واحده قانون اصلاح قانون مجازات جرایم مواد مخدر ۱۳۹۶ با واپس روی آشکار از رویکرد سرکوبگر خود در برابر بزهکاران این قلمرو، برخورد پیش‌گفته را تنها به هسته سخت این جرایم محدود کرد.

این دگردیسی رویکردهای نظام عدالت کیفری ایران به دنبال گذار معرفت‌شناختی از اندیشه بازدارندگی مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر چهره یافت. پیمایش‌های جرم‌شناختی و کیفرشناختی در این قلمرو نشان می‌داد که با وجود مجازات‌های اجراشده اعدام و پیگردهای بین‌المللی بزهکاران قلمرو مواد مخدر، بازدارندگی موردنظر از اعدام آنها روی نداده است.

آنچه این نگرش را در قانونگذار کیفری ایران نیرو بخشید، پیوندهای آشکار میان چالش‌های فراروی امنیت اجتماعی و از جمله پیامدهای ناشی از تأکید صرف بر مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر است. در نتیجه قانونگذار در ماده واحده پیش‌گفته کوشید تا با انحصار مجازات اعدام به مرتکبان دارای برخی سنجه‌های رفتاری عینی، دیگر بزهکاران این حوزه را به امید یافتن راهکشی‌هایی برای مهار مناسب این جرم در کشورمان با پاسخ‌های نرم تر همراه سازد. به‌ویژه اینکه پررنگ تر شدن سازمان یافتگی جرایم مواد مخدر در پرتو جهانی شدن بزهکاری و افزایش آگاهی

نظام‌های عدالت کیفری در پرتو گردهمایی‌های نظری و عملیاتی کیفری در سطح بین‌المللی مسلحانه‌شدن شبکه‌های بین‌المللی مواد مخدر و در نتیجه رخداد جنگی واقعی میان این گروه‌ها و سامانه‌های کیفری ملی و فراملی را پدید آورده است.

به تعبیر برخی صاحب‌نظران حوزه علوم جنایی تجربی، سیاست کیفری، مطالعه جنبه‌های نظری و عملی نظام کیفری در ابعاد شکلی و ماهوی آن است که به ترتیب شامل راهبردهای آیین دادرسی کیفری، سازمان و تشکیلات کیفری، جرم‌انگاری و کیفرگذاری می‌شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۶، ص ۵۵۵). از همین رو سیاست کیفری ایران در برابر جرمی همانند قاچاق مسلحانه مواد مخدر از چشم‌اندازهای گوناگون اهمیت دارد و باید موضوع پژوهش‌های آسیب‌شناختی قرار گیرد. بر پایه این مراتب، این پژوهش که با روش توصیفی — تحلیلی نگاشته شده، در صدد است با مطالعه رویکردهای عملیاتی سیاست کیفری ایران در برابر قاچاق مسلحانه مواد مخدر و روان‌گردان، سازگاری آن را با مؤلفه‌های امنیت اجتماعی بررسی کند.

۱. سیاست کیفری ایران در برابر قاچاق مسلحانه مواد مخدر

این نوشتار به ارزیابی سیاست کیفری ایران در برابر قاچاق مسلحانه مواد مخدر و روان‌گردان از چشم‌انداز امنیت اجتماعی می‌پردازد. اینک مناسب است روندهای کنونی این کاربست نیز به‌ویژه با توجه به قانون الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر ۱۳۹۶ از نظر گذرانده شود تا بتوان در گفتار آتی آن را از چشم‌انداز سنجه امنیت اجتماعی نیز تحلیل کرد.

۱-۱. بهره‌گیری از آموزه‌های جرم‌شناختی

سیاست کیفری ایران در تحولات خود آشکارا از آموزه‌های جرم‌شناختی بهره برده است. از همین رو در ادامه شماری از این آموزه‌ها مطالعه می‌شود.

۱-۱-۱. روزآمدسازی پاسخ‌دهی کیفری

جرم پدیده‌ای پیچیده و متأثر از شرایط گوناگون زمانی است. جهانی‌شدن بزهکاری نیز در این ویژگی تغییری پدید نمی‌آورد. از همین رو سیاستگذاران کیفری و جنایی باید در هنگام تعریف جرم و مجازات به این ویژگی توجه کرده و با روزآمدسازی تعاریف جرایم خاص و پاسخ‌دهی به آن عدالت

کیفری را در بیشترین میزان خود فراهم کنند. در غیر این صورت دستیابی به اهدافی چون عدالت کیفری و نیز مدیریت کیفری مناسب جامعه با چالشی جدی همراه می‌شود. دگرگونی‌های ناشی از قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر ۱۳۹۶ در سامانه پاسخ‌دهی به مجازات‌های جرایم مخدر به‌خوبی نشان‌دهنده توجه قانونگذار کیفری ایران به ویژگی‌های دگرگون شده این دسته از جرایم است که در پرتو اثرپذیری از پدیده جهانی شدن نیز همواره بر شدت این ویژگی افزوده می‌شود.

۱-۱-۲. تشدید سزادهی مجرمان خطرناک

شاید بتوان مهم‌ترین راهبرد جرم‌شناختی سیاست کیفری ایران در مبارزه با قاچاق مسلحانه مواد مخدر را برگرفته از بند پ ماده واحده دانست. در واقع در این بند قانونگذار آن دسته از مجرمان پریسکی را که سابقه محکومیت قطعی به اعدام، حبس ابد یا حبس بالای پانزده سال داشته باشند، در صورت ارتکاب جرایمی که در این قانون برای آن اعدام یا حبس ابد مقرر شده است در حکم مفسد فی‌الأرض می‌داند.

مهم‌ترین مبنای این مقرر را بلید باورمندی به اصلاح ناپذیری مجرمان پیش‌گفته دانست؛ چراکه محکومیت‌های پیش‌گفته بزهکار را افزون بر دیگر راهبردهای سزادهی همانند توانگیری، وارد فرآیند اصلاح درمان نیز می‌کند. ناکامی در این راه سبب تکرار جرم ازسوی می‌شود و قانونگذار با درک ریسک بالای این افراد آنها را در صورت وجود دیگر شرایط، سزوار تحمیل مجازات افساد فی‌الأرض می‌داند.

۱-۱-۳. توجه به استفاده از سلاح

ارزیابی واقعیات کنونی ارتکاب جرم در سرتاسر جهان نشان می‌دهد که گروه‌های بزهکاری بین‌المللی بیش از پیش به استفاده از سلاح در راه تأمین روندهای مجرمانه خود توجه نشان می‌دهند. برای نمونه، برخی از مرتکبان دزدی دریایی از ناوگان‌هایی مجهز برخوردارند که آنها را در ارتکاب این جرم کمک می‌کند.

این واقعیت سبب می‌شود که به موازات ارتکاب قاچاق مواد مخدر و دیگر جرایم فراملی، قاچاق سلاح نیز برای این گروه‌ها اهمیتی آشکار یابد و از همین رو چالش‌های بسیاری برای نظام‌های عدالت کیفری پدید آید. بدین ترتیب قانونگذار در این ماده واحده، کشیدن سلاح و یا

حتی دارابودن آن را به قصد مقابله با مأموران در شمار عوامل تشدید مجازات دانسته است.

۱-۱-۴. توجه به واقعیات جامعه‌شناختی گروه‌های مجرمانه

در بند ب این ماده واحده قانونگذار آشکارا برخی از واقعیات موجود در عملکردهای گروه‌های مجرمانه را با ارزش‌گذاری کیفری همراه می‌کند. روشن است که قاچاق مواد مخدر همانند دیگر جرایم هم پیوند مستلزم برنامه ریزی برای وجود زیرساخت‌های انسانی و مالی است. از همین رو تأمین مالی مواد مخدر و نیز پیاده نظام این گروه‌ها یکی از بایسته‌های رخداد این جرایم است. افزون بر این ماهیت فراملی این جرم مقتضی می‌آید پیش‌بینی قانونگذار کیفری ایران نشان دهنده آگاهی و استفاده از دستاوردهای دکترین بین‌المللی جرم‌شناسی در مطالعه زیست این گروه‌ها به شمار می‌رود؛ چراکه سلسله مراتب و ساختار داخلی این گروه‌ها که شامل سردستانان و نیز نیروهای میدانی است، افزون بر اهمیت آن از دیدگاه پیشبرد فرآیند مجرمانه مواد مخدر از چشم‌انداز سنجه‌هایی همانند امنیت اجتماعی نیز دارای اهمیت است. به همین خاطر استفاده از اطفال و نوجوانان کمتر از هجده سال و نیز مجانین که خود رویکردی آشکار در کنش‌های این گروه‌ها به شمار می‌رود، یکی از عوامل سزادهی جرایم حوزه مواد مخدر دانسته شده است. توجه به سردستگی به‌عنوان کیفیتی مشدد در مجازات، با تصویب ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به زرادخانه کیفری کشورمان وارد شد. جهانی‌شدن بزهکاری و ارتکاب جرم بر پایه گروه‌های مجرمانه این رویکرد قانونگذار کیفری ایران را توجیه می‌کند. بدین ترتیب دیده می‌شود که قانونگذار در این قانون در هماهنگی با ماده ۱۳۰ ق. م. ا میان سردستانان گروه‌های مجرمانه مواد مخدر و اعضای عادی تفاوت قائل شده و سردستگی را یکی از کیفیات مشدده در این راه دانسته است.

۱-۲. بهره‌مندی از آموزه‌های کیفرشناختی

افزون بر آموزه‌های جرم‌شناختی، رهیافت‌های کیفرشناختی ویژه‌ای نیز در سیاست کیفری کنونی ایران در برابر قاچاق مسلحانه مواد مخدر و روان‌گردان به چشم می‌خورد که در ارزیابی امنیت اجتماعی ناشی از آن دارای اثر است. از همین رو در ادامه به بررسی این راهبردها پرداخته می‌شود.

۱-۲-۱. تحدید مجازات اعدام و حبس ابد

در روزگار ما جهانی شدن جرم و به دنبال آن جهانی شدن حقوق کیفری روندی آشکار در قلمرو نظری و عملیاتی علوم جنایی به شمار می‌رود. کشورهای گوناگون با وجود اثرپذیری گریزناپذیر خود از مؤلفه‌های بومی در چهارچوب پدیده جهانی شدن حقوق کیفری بیش از پیش به یکسان‌سازی راهبردهای خود در برابر جرایم گوناگون روی می‌آورد. نظام حقوق کیفری ایران تحت تاثیر جهانی شدن جرم، اقدام‌هایی در گستره حقوق کیفری ماهوی شامل جرم انگاری‌های گسترده و پیش‌بینی تدابیر و پاسخ‌های کیفری و غیرکیفری و حقوق کیفری شکلی شامل تغییر و تعدیل برخی اصول و قواعد حاکم بر آیین دادرسی کیفری، پیش‌بینی برخی نهاد‌های تخصصی رسیدگی کننده و حقوق متهمان و بزه‌دیدگان، انجام داده است (احمدی و رضایی، ۱۳۹۵، ص ۱۱۵).

۱۳۷

حقوق اسلامی / ارزیابی سیاست کیفری ایران در برابر قاچاق مسلحانه مواد مخدر

نمود آشکار این روند را می‌توان در همکاری‌های کیفری فراملی دید که امروزه به سازه‌ای تردیدناپذیر در روند مدیریت جرایم فراملی تبدیل شده است. در نتیجه بسیار پذیرفتنی است که دو گفتمان جهانی الغای اعدام و تحدید مجازات حبس به خاطر انگاره‌های گوناگون کیفرشناختی، جرم‌شناختی و جامعه‌شناختی بیش از پیش در دستورکار دست اندرکاران سیاست کیفری قرار گیرد. پایداری مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر در راهبردهای سیاست کیفری ایران به مفهوم اثرگذاری عملی آن در کاستن از ارتکاب این جرایم نبود، بلکه با گذشت زمان و سازمان یافتگی بیش از پیش این جرم، دانسته شد که مجازات اعدام به تنهایی نمی‌تواند پاسخی مناسب در این راه باشد. به‌ویژه اینکه در شبکه‌های عمل کننده در قاچاق مسلحانه مواد مخدر، کنشگران میدانی آنها بیشتر در معرض اعدام بوده و مدیران شبکه‌ها با روی آوری به راهکارهای مبتنی بر هوش بهر مجرمانه خود از گزند این مجازات‌رهایی می‌یافتند.

افزون بر این، اعدام کنشگران میدانی قاچاق مسلحانه مواد مخدر سبب گرایش آشکار پیرامونیان آنها به ارتکاب جرایم گوناگون و از جمله جرایم مواد مخدر با انگیزه‌هایی همانند انتقامجویی و یا امرار معاش می‌شود در نتیجه لازم بود تا در رویکرد اتکا به مجازات اعدام در پاسخ‌دهی به جرایم مواد مخدر بیش از پیش بازنگری شود.

تحدید مجازات حبس ابد نیز که با گفتمان کمینه‌گرای قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ۱۳۹۹ در سیاست کیفری ایران به اوج خود رسید از این‌رو اهمیت دارد که افزون بر چیرگی بر کاستی‌های گوناگون کیفرشناختی و جرم‌شناسی مجازات حبس، امکان هدایت کنش‌های مجرمانه

مواد مخدر را از زندان کاهش می‌دهد.

۱.۲.۲. استفاده از مجازات‌های مالی

اصل تناسب جرم و مجازات یکی از اصول بنیادین حقوق کیفری عمومی است و پیاده‌سازی مناسب آن در دستیابی به اهداف تعیین شده برای مجازات اهمیت دارد. در این راستا تردیدی وجود ندارد که بی‌توجهی به این اصل در سیاست کیفری تقنینی می‌تواند تجری بزهکاران بالقوه و نیز گرایش به تکرار جرم و یا افزایش آشکار نرخ بازگشت به زندان را به همراه آورد. در نتیجه در مورد هر جرم لازم است پیاده‌سازی فراگیر اصل تناسب جرم و مجازات در دستور کار سیاست کیفری تقنینی قرار گیرد تا از این راه از رخداد پیامد نامطلوب پیش گفته جلوگیری شود.

بدین ترتیب تأکید آشکار قانونگذار کیفری ایران بر مجازات‌های مالی جزای نقدی و نیز ضبط اموال را باید متناسب با سودآوری جرایم مواد مخدر در اقتصاد زیرزمینی و مجرمانه‌ای دانست که قاره‌های گوناگون جهان را فرامی‌گیرد و تا آنجا اهمیت دارد که حتی با وجود پیش‌بینی مجازات‌های سنگینی همانند مجازات اعدام باز هم این افراد به ارتکاب آن رغبت نشان می‌دهند.

۱.۲.۳. استفاده از مجازات احاله‌ای افساد فی الأرض

رویکرد کیفرشناختی اصلی سیاست کیفری ایران در این قانون، پیش‌بینی مجازات افساد فی الأرض برای مرتکبانی است که یکی از شرایط مندرج در بندهای چهارگانه ماده واحده را دارا باشند. عبارت در حکم مفسد الأرض برای توصیف مرتکبانی به‌کار می‌رود که رفتارهای مجرمانه آنها یکی از شرایط پیش‌گفته را دارا باشد.

باتوجه به ماده ۲۸۶ ق.م.ا و پیش‌بینی مجازات اعدام برای مرتکبان، رویکرد احاله‌ای قانونگذار کیفری ایران در قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر این مفهوم را می‌رساند که وجود شرایط پیش‌گفته نشان‌دهنده خطرناکی رفتارهای آن مرتکبان است و تنها مجازات اعدام می‌تواند دستیابی به اهدافی همانند تحقق امنیت اجتماعی را در میان شهروندان محقق کند.

۲. امنیت اجتماعی و مدیریت کیفری قاچاق مسلحانه مواد مخدر

پس از مطالعه سیاست کیفری ایران در برابر قاچاق مسلحانه مواد مخدر، اینک لازم است نسبت و جایگاه امنیت اجتماعی در این سیاست کیفری نیز بررسی شود. این روند می‌تواند ارزیابی

کاستی‌ها و توانمندی‌های رویکرد پیش گفته را در دو گفتار آتی واقعیت بخشید.

۲-۱. تبیین امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی از چشم‌انداز نظری یکی از گونه‌های امنیت است. این دانش - واژه به گستردگی در علوم انسانی و اجتماعی به کار می‌رود. از دیدگاه عملی نیز پاسداشت امنیت و مبارزه با چالش‌های فراروی آن یکی از مطالبات همیشگی شهروندان از جوامع و در شمار مهم‌ترین معیار تحقّق سنج به‌زامداری قرار دارد.

افزون بر این باید خاطر نشان شود که امنیت جزء ضروری زندگی امروز بشر است. به‌نحوی که بعضی از دانشمندان بر این باورند که امنیت نه تنها یکی از اجزای اصلی دولت بلکه اصلی‌ترین کارکرد یک حکومت و دولت است (ورویی و کوهزادیان، ۱۳۹۴، ص ۳۷). بنابراین هریک از گونه‌های امنیت و از جمله امنیت اجتماعی که در این نوشتار از چشم‌انداز سیاست کیفری ایران مدنظر قرار گرفته است، اهمیت بسیاری از چشم‌اندازهای گوناگون دارد.

شاید بتوان مناسب‌ترین مفهوم شناسی از امنیت اجتماعی را که بتواند در دستور کار سیاست کیفری قرار بگیرد در مکتب کپنهاگ یافت. به باور اندیشمندان این مکتب و به‌ویژه پیشگام آن؛ باری بوزان، امنیت در صورت نبود تهدید درک می‌شود. تهدید نیز در این مفهوم قلمرو گسترده‌ای دارد و با اجتماعی نگریستن بدان، شامل مؤلفه مهمی همانند جرم نیز می‌شود؛ بنابراین یکی از تهدیداتی که بر پایه رهیافت جرم‌شناسی دورکیمی نیز همیشگی است و باید مدیریت آن همواره در دستور کار قرار داده شود جرم است. پیرومندی در این راه نیز در صورت دریافت واقعی و کامل ازسوی شهروندان به حس امنیت آنها از نقض حقوق خود و در نتیجه پیدایش حالت ناب امنیت اجتماعی منجر می‌شود.

با وجود گستردگی مفهوم امنیت اجتماعی، در علوم جنایی این مفهوم از دیدگاه میزان رخداد احساس امنیت دارای اهمیت است. در واقع، نظام عدالت کیفری در راه انجام رسالت بنیادین خود مبنی بر مدیریت کیفری جامعه باید بتواند بیشترین میزان احساس امنیت را در شهروندان پدید آورد. در صورتی ناکامی یا ناتوانی در این راه، تشدید توده بزهکاری و رخداد جرایم و آسیب‌های اجتماعی آتی‌گریز ناپذیر است.

بدین ترتیب در دکتترین علوم جنایی و با الهام از یافته‌های مکتب کپنهاگ، امنیت اجتماعی بیش

از پیش مفهومی عینی یافته و بر پایه انگاره‌های پوزیتیویستی تفسیر می‌شود؛ بنابراین پیمایش‌های امنیت اجتماعی برای دریافت احساس امنیت در میان شهروندان باید همواره نگرش آنان را نسبت به جرایم خشونت بار و مخاطره‌آمیز همانند قاچاق مسلحانه مواد مخدر در نظر گیرند. در این پژوهش نیز کوشش شده است با ارزیابی سیاست کیفری کنونی ایران در برابر قاچاق مسلحانه مواد مخدر، میزان امنیت اجتماعی حاصل برای شهروندان در پرتو حس امنیت آنان ارزیابی و چالش‌ها و راهبردهای فرارو در این راه بررسی شود.

۲-۲. بایسته‌های تحقق امنیت اجتماعی در مبارزه با قاچاق مسلحانه مواد مخدر

برای آنکه بتوان در پرتو پیاده‌سازی راهبردهای سیاست کیفری ایران در برابر قاچاق مسلحانه مواد مخدر، امنیت اجتماعی را در بیشترین سطح خود محقق کرد، لازم است بایسته‌هایی در دستور کار قرار گیرد که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود.

۲-۲-۱. روزآمدسازی رویکردهای سیاست کیفری ایران در برابر مواد مخدر

بیشتر روزآمدسازی راهبردهای سیاست کیفری ایران در برابر قاچاق مسلحانه مواد مخدر از چشم‌انداز آموزه‌های جرم‌شناختی بررسی شد. اینک باید خاطر نشان شود که این رویکرد خود به‌تنهایی می‌تواند در امنیت اجتماعی پدیدآمده در جامعه از راه افزایش حس امنیت در میان شهروندان به‌خوبی اثرگذار باشد.

روشن است که پاسخ‌دهی به جرایم پرریسک همانند قاچاق مسلحانه مواد مخدر در انحصار حاکمیت است و - همان‌گونه که پستر نیز گفته خواهد شد - حتی در صورتی که جامعه مدنی نیز به پاسخ‌دهی در این راه فراخوانده شود، این وضعیت جنبه فرعی و منفعل خواهد داشت. از همین رو امنیت اجتماعی به‌طور مشخص در صورت باورمندی شهروندان به‌وجود دغدغه در کنشگران سیاست کیفری تقنینی درباره تحقق بیشترین میزان امنیت در برابر روندهای مربوط به قاچاق مسلحانه مواد مخدر محقق می‌شود.

۲-۲-۲. در نظر داشتن چگونگی پاسخ‌دهی به این جرم در پرتو پیمایش‌های اجتماعی

یکی از راهبردهای مناسب برای مدیریت تکانش‌های برخاسته از اقدامات جامعه‌ستیزانه، مشارکت دادن افراد در فرایندهای حل مسئله است. در این صورت احتمال دارد این افراد با مداخله

موردانتظار در این راه با جامعه هدف احساس یگانگی کرده و در نتیجه احتمال رخداد دوباره این آسیب‌ها نیز به کمترین میزان خود برسد.

۳-۲-۲- مبارزه با جرایم دولتی در قلمرو پاسخ‌دهی به قاچاق مسلحانه مواد مخدر

جرم دولتی مفهوم جرم‌شناختی نوینی است که از دکترین جرم‌شناسی بریتانیا به جهان معرفی شده است. این دانش — واژه به کژکارکردهای نهادهای رسمی در راستای انجام وظایف قانونی خود اشاره دارد.

مطالعه جامعه‌شناختی گروه‌های مجرمانه فعال در بازار تجارت جهانی مواد مخدر نشان می‌دهد که اثرگذاری بر کنشگران حاکمیتی یکی از رویکردهای مهم آنها است. امروزه بیش از پیش پدیده هوشمندشدن جرایم بین‌المللی به چشم می‌خورد؛ بنابراین جای شگفتی نیست که کوشش برای چیرگی بر دست اندرکاران نظام‌های عدالت کیفری و دست کم منفعل ساختن آن در روندهای مبارزه با بزهکاری، یکی از مهم‌ترین خطوط عملکردی این گروه‌ها باشد.

بدین ترتیب در بسیاری از موارد دیده می‌شود که کنشگران فعال در نظام دادرسی کیفری، پلیس، قانونگذاران، مقامات قوه مجریه و... بیش از پیش آماج اقدامات پیش‌گفته ازسوی شبکه‌های بزهکاری بین‌المللی می‌شوند. خودداری این گروه‌ها از انجام وظایف خود مفهوم غربی جرایم دولتی را محقق می‌سازد که خود چالش مهمی برای پیروزمندی سیاست کیفری کشورمان در برابر جرایم مخاطره‌آمیزی همانند قاچاق مواد مخدر به شمار می‌آید.

۳. چالش‌های امنیت اجتماعی در سیاست کیفری ایران در مبارزه با قاچاق مسلحانه مواد مخدر

تحقق بیشینه‌ای امنیت اجتماعی در پرتو پیاده‌سازی راهبردهای سیاست کیفری ایران در برابر قاچاق مسلحانه مواد مخدر با چالش‌های مهمی روبه‌رو است. مبارزه با این چالش‌ها و در نتیجه افزایش امنیت اجتماعی مستلزم شناسایی آن است که در ادامه از نظر گذرانده می‌شود.

۳-۱. تعارضات شناختی خرده فرهنگی

کشور ما از چشم‌انداز فرهنگی جامعه‌ای چندگانه گرا به شمار می‌آید. گوناگونی آشکار اقوام و نیز خرده فرهنگ‌ها سبب می‌شود که بازخورد دریافتی از رویکردهای هر یک از سازه‌های نظام

اجتماعی و از جمله نظام عدالت کیفری بسیار متفاوت باشد. در نتیجه ارزیابی های گوناگون از راهبردهای کیفری باید ضرورت افتراق گذاری پیش گفته را مدنظر قرار دهد.

در این راستا باید خاطر شود که احساس امنیت ناشی از راهبردهای نظام عدالت کیفری ممکن است به احتمال زیاد با تعارضات شناختی خرده فرهنگی همراه شود. برآیند این وضعیت نیز در صورت آمیزش با عوامل و مؤلفه های گوناگون محیطی و زمانی رخداد پیامدهایی چون طغیان های اجتماعی است که خود چالش های دیگری را برای جامعه به همراه آورده و نظام عدالت کیفری را ملزم می سازد که بخشی از نیروی خود را برای مهار این تعارض شناختی فرهنگی به کار برد.

در این راستا لازم است که در هر یک از فرآیندهای جامعه پذیرسازی و نیز باز جامعه پذیرسازی در چهارچوب پیاده سازی برنامه های عملگرا در رژیم اصلاحی و تربیتی مجرمان مواد مخدر برای از میان بردن این گونه تعارضات کوشش شود؛ چراکه همان گونه که پیشتر نیز گفته شد، بخش مهمی از احساس امنیت با چگونگی و کیفیت آموزش های ارائه شده به شهروندان در روند جامعه پذیری آنها هم پیوند است.

۳-۲. بی اعتمادی به توانمندی های نظام عدالت کیفری

یکی از چالش های مهم معرفت شناختی فراروی نظام عدالت کیفری را باید بی اعتمادی شهروندان نسبت به توانمندی های آن دانست که در سطوح گوناگونی روی داده و همواره می تواند پیامدهای ناگواری را در در روند مهار بزهکاری در جامعه پدید آورد. از همین رو نظام عدالت کیفری ضمن انجام رسالت های خود باید همواره در راستای افزایش اعتماد شهروندان به خود نیز گام بردارد. پیروزمندی در این راه پیامدهای سازنده ای را همانند امکان در پیش گرفتن سیاست جنایی مشارکتی در آینده به همراه می آورد.

در این راستا باید به خاطر داشت که دگرگون سازی راهبردهای کیفری، رویکردی گریزناپذیر در قلمرو عملیاتی نظام عدالت کیفری است؛ چراکه بزهکاران همواره به منظور گریز از گزند کنشگران این مجموعه به تغییر در روندهای خود روی می آورند. در نتیجه سیاست کیفری تقنینی با ملاحظه شرایط گوناگون اجتماعی و نیز زمانی و مکانی به تغییر در روندهای موجود می پردازد تا از این راه مأموران نظام عدالت کیفری را در راه انجام رسالت راهبردی خود یعنی مدیریت کیفری جامعه

توانمند و چابک کند.

این واقعیت به‌ویژه در مورد جرایم سازمان یافته بسیار آشکار است. بزهکاران سازمان یافته برای نمونه در قلمرو جرایم مواد مخدر در کشورهای گوناگون و از جمله کشورهای ترانزیت از مجموعه‌ای از امکانات انسانی و غیرانسانی و حتی گاه مقامات نظام عدالت کیفری برخوردارند و متناسب با درک خود از راهبردهای نظام‌های کیفری مناسب‌ترین راهکارها را برای پیشبرد اهداف خود در زمینه‌های تولید، انتقال، توزیع و فروش مواد مخدر به‌کار می‌گیرند.

بدین ترتیب باوجود آنکه دگرگونی در راهبردهای پیشین سیاست کیفری ایران در برابر قاچاق مسلحانه مواد مخدر ضرورتی انکارناپذیر است و کوتاهی در این راه به ناکامی نظام عدالت کیفری از تحقق اهداف مدنظر در سیاست کیفری تقنینی منجر می‌شود، اما بی‌اعتمادی شهروندان و یا دست‌کم پاره‌ای از آنها به این راهبرد نظام کیفری نیز سبب می‌شود که باوجود کوشش‌های انجام شده، همچنان احساس ناامنی وجود داشته و تحقق امنیت اجتماعی نیز به گونه‌ای آشکار به مخاطره افتد. این وضعیت خود در ادامه سبب می‌شود که جرایم دیگری نیز روی داده و پایداری جرایم و آسیب‌های اجتماعی نیز در جامعه بیش از پیش تحقق یابد.

۳-۳. پُررنگ‌بودن ترس از جرم و تسری آن به قاچاق مسلحانه مواد مخدر

ترس از جرم یکی از پدیده‌های مهم جرم‌شناختی در جامعه است که از عوامل گوناگونی متأثر می‌شود. این پدیده مؤلفه‌های علمی ویژه‌ای و نیز پیامدهای بسیاری را بر دیدگاه‌های افکار عمومی درباره جرم، کارکردهای نظام عدالت کیفری و... به‌همراه دارد.

به‌طور کلی ترس از جرم با ریسک استنباط شده از آن نسبتی برابر دارد؛ زیرا به همان اندازه که مرتکبان برخی از جرایم اقدامات جامعه‌ستیزانه خود را با توسل به سلاح، خشونت فیزیکی، ارتکاب در چهارچوب یک گروه و نیز فراملی نمودن آن مرتکب شوند، به همان اندازه نیز شهروندان ریسک بیشتری را از این اقدامات ارزیابی کرده و در صورت محاسبه اشتباه و گاه واقعی از توانمندی‌های نظام عدالت کیفری در مواجهه با این مخاطرات ترس از جرم و در نتیجه احساس ناامنی بیشتری در آنها پدید می‌آید.

بدین ترتیب ترس از جرم ناشی از کنش‌های جای‌گرفته در قلمرو قاچاق مسلحانه مواد مخدر خود چالشی مهم در برابر راهبردهای نوپدید سیاست کیفری در این حوزه به‌شمار می‌آید؛ چراکه

احساس ناامنی یادشده و تصور نقض فاحش امنیت اجتماعی ناشی از آن سبب عدم پذیرش این رویکردهای مقابله با قاچاق مسلحانه مواد مخدر از سوی شهروندان شده و در بلندمدت احتمال ناکامی آن را افزایش می‌دهد.

۳-۴. اعدام‌باوری مطلق مردم در جرایم مواد مخدر

دیدگاه‌های افکار عمومی پیرامون وجود و پیاده‌سازی نهادهای گوناگون کیفری برآیندهای بسیار مهمی داشته و گاه روندهای آتی سیاستگذاری کیفری را تعیین می‌کند. هر اندازه که این دیدگاه با یافته‌های روزآمد و دانش — بنیان علوم جنایی بیشتر هماهنگ باشد، از یک سو سیاست کیفری می‌تواند در راهبردهای آتی خود از آن استفاده کند و از سوی دیگر احساس امنیت در میان شهروندان بیشتر شده و از همین راه مفهوم امنیت اجتماعی نیز در جامعه پررنگ تر می‌شود.

بر پایه آموزه‌های دانش کیفرشناسی، یکی از مهم ترین و درعین حال مجادله برانگیزترین گونه‌های مجازات که از دیرباز در زرادخانه‌های کیفری سرتاسر جهان وجود داشته، مجازات اعدام است. با اینکه اساساً در فلسفه حقوق کیفری و نیز حقوق کیفری عمومی درباره مشروعیت اجرای مجازات‌های سالب حیات همواره گفتگوهایی وجود داشته و اولین کوشش‌های مهم برای انسانی‌کردن اجرای این مجازات‌ها از هنگام انقلاب کبیر فرانسه انجام شده است، اما بی‌گمان اعدام امروزه واقعیتی در نظام‌های کیفری برخی از کشورمان جهان و به‌ویژه کشورهای اسلامی است. از همین رو مطالعه نظری مهم ترین مؤلفه‌های اجرای این مجازات خاص یکی از حوزه‌های جذاب مطالعاتی را در علوم جنایی شکل می‌دهد.

پژوهش درباره برداشت‌های عموم نسبت به مجازات اعدام نشان می‌دهد که حمایت از آن در سرتاسر جهان به چگونگی اجرای آن بستگی دارد (Britto, 2014, p.81) بنابراین حتی در صورتی که اعدام و یا دیگر مجازات سالب حیات در نظام کیفری وجود داشته باشد، لازم است که هر یک از جزئیات اجرای آن نیز به گونه‌ای معقول و روزآمد مورد توجه قرار گیرد تا دست کم از میزان مخالفت نسبت به این مجازات کاست. نباید فراموش کرد که شواهد موجود هنوز هم در مجموع از فرضیه بازدارندگی مجازات اعدام حمایت نمی‌کنند (Wilson, 2013, p.34) بنابراین باتوجه به پذیرش واقعیت جنبش جهانی الغای مجازات اعدام که به‌ویژه در کشورهای غربی گسترش یافته و در پرتو جهانی شدن حقوق کیفری بارقه‌هایی از آن نیز به نظام عدالت کیفری ایران سرایت کرده،

لازم است که دستیابی به مناسب ترین شیوه‌های اجرای این مجازات به‌ویژه در جرایمی همانند قاچاق مسلحانه مواد مخدر در دستور کار نظام عدالت کیفری کشورمان قرار گیرد. باوجود این گاه دیده می‌شود که در جامعه، برداشت‌ها و انگاره‌های فکری شهروندان پیرامون برخی از نهادهای کیفری به‌خاطر اثرپذیری از عوامل خاصی یا بی‌بهرگی از روزآمدی علمی تا حدودی قابل ایراد است. دست کم درباره مجازات اعدام می‌توان گفت باوجود روندهای اساسی شدن حقوق کیفری در دهه‌های گذشته به‌خاطر دیرینگی این مجازات در نظام‌های عدالت کیفری همچنان باورمندی به مناسب بودن این مجازات دست کم برای مجرمان شدید در میان شهروندان وجود دارد و از آنجاکه مفهوم عامیانه شدت جرم با مفهوم علمی آن در علوم جنایی از حیث گستره و نیز معاییر تحقق کاملاً متفاوت است، مشاهده رویکرد سیاست کیفری ایران در تحدید مجازات اعدام در قلمرو جرایمی همانند قاچاق مسلحانه مواد مخدر ممکن است به رخداد احساس ناامنی منجر شود.

بی‌گمان مشاهده کارکردهای سازنده نظام عدالت کیفری و توانمندی آن در راه انجام رسالت بنیادین مدیریت کیفری در جامعه می‌تواند اعتماد عمومی را به رویکردی همانند تحدید مجازات اعدام در برابر ارتکاب قاچاق مسلحانه مواد مخدر افزون کند.

۳.۵. احساس ناکارآمدی سیاست کیفری بر اثر فساد اداری

یکی از چالش‌های مهم فراروی احساس امنیت اجتماعی از رویکردهای سیاست کیفری ایران در برابر قاچاق مواد مخدر، احساس ناکارآمدی آن بر اثر رخنه مرتکبان گونه‌های فساد است. در این میان، فساد اداری که اعم از جرایم، انحرافات و کج رفتاری‌های مرتبط با امور اداری است (میرخلیلی و دیگران، ۱۳۹۹، ص ۲۸۰)، چالشی مهم در روندهایی همانند پیکار با جرایم مواد به‌شمار می‌رود؛ چراکه واقعیات موجود در بازارهای بین‌المللی مواد مخدر این حقیقت را نشان می‌دهد که به‌ویژه با توجه به چالش‌های اقتصادی و اداری موجود در کشورهای توسعه نیافته‌ای که خود گذرگاه قاچاق مواد مخدر هستند، امکان فساد اداری در سازه‌های نظام عدالت کیفری و دیگر نهادهای اجتماعی که می‌توانند در برابر این جرایم بسیار اثرگذار باشند، وجود دارد.

بدین ترتیب واقعیتی به نام جرم دولتی (State Crime) خود به‌تنهایی گویای این واقعیت است که در صورت وقوع فساد در ساختارهای یک دولت نمی‌توان به سادگی به تحقق اهداف سیاست

کیفری از مبارزه با جرایم مخاطره‌آمیزی همانند قاچاق مسلحانه مواد مخدر خوشبین بود. مگر آنکه تا آنجا که ممکن است با مبارزه فراگیر با فساد، کارآمدی سازه‌های نظام عدالت کیفری در راه مبارزه با قاچاق مسلحانه مواد مخدر و دستیابی به اهدافی همانند امنیت اجتماعی افزایش یابد. مقوله فساد در دستگاه‌های اجرایی اعم از عمومی دولتی و غیردولتی از یک سو یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های انحطاط یک دولت و به تدریج، یک جامعه و از سوی دیگر از عمده‌ترین دغدغه‌های دولتمردان جامعه به شمار می‌آید (سلمانی‌پور و هادی‌تبار، ۱۳۹۵، ص ۲۷۰)، بنابراین آلودگی ساختارهای گوناگون پیش‌بینی شده در گونه‌های سیاست کیفری به فساد اداری و مالی می‌تواند ناکارآمدی آنها را در مبارزه با جرایم مواد مخدر پدید آورد.

بر پایه این مراتب، هنگامی می‌توان به پیروزمندی سیاست کیفری ایران در هریک از شاخه‌های خود در برابر قاچاق مسلحانه مواد مخدر امیدوار بود که جلوه‌های گوناگون فساد در ساختارهای حاکمیتی به خوبی برچیده شود. درغیراین صورت نمی‌توان انتظار داشت که کنشگران و یا نهادهایی که برای تداوم فساد خود منفعی را از بازار همیشه سودآور مواد مخدر دریافت می‌دارند، بتوانند در برابر این جرم پاسخ‌های پیش‌بینی شده در قانون را نمایش دهند.

علل فساد و پاسخ‌های آتی پیاده شده در برابر آن اغلب در قلمرو سه رهیافت کلی اقتصادی، علوم سیاسی و نیز حقوقی قرار می‌گیرند (Brooks, 2016, p.21) بنابراین روشن است که فساد اداری، سیاسی و اقتصادی تا چه اندازه می‌تواند به ناکارآمدی راهبردهای پاسخ دهنده در برابر پدیده‌ای فراگیر و چندوجهی همانند قاچاق مسلحانه مواد مخدر که امنیت اجتماعی را آشکارا از خود متأثر می‌کند منجر شود.

۴. پاسداشت امنیت اجتماعی در سیاست کیفری ایران در مبارزه با قاچاق مسلحانه مواد مخدر

واقعیت بخشیدن به آرمان مهمی همانند پاسداشت امنیت اجتماعی در سیاست کیفری ایران در مبارزه با قاچاق مسلحانه مواد مخدر از چشم‌اندازهای گوناگون اهمیت داشته و در کانون رسالت‌های نظام عدالت کیفری جای دارد. این مهم از یک سو مستلزم پیاده‌سازی راهبردهایی برای مهار چالش‌های پیش‌گفته است و از سوی دیگر نیز می‌توان انتظار داشت که در صورت تحقق، پیامدهای مهمی را به همراه آورد که در این گفتار بدانها پرداخته خواهد شد.

۴-۱. راهبردهای مدیریت چالش‌های امنیت اجتماعی در مبارزه با قاچاق مسلحانه مواد مخدر

راهبردهای پیاده شده برای مدیریت چالش‌های امنیت اجتماعی در مبارزه با قاچاق مسلحانه مواد مخدر باید با توجه به مؤلفه‌های بنیادین امنیت اجتماعی سامان داده شود. در این صورت می‌توان سیاست کیفری را در این باره پیروزمند دانست. در ادامه شماری از راهبردهای مناسب برای دستیابی به هدف پیش گفته از نظر گذرانده می‌شود.

۴-۱-۱. بازتاب اجتماعی کنش‌های نظام عدالت کیفری در مبارزه با قاچاق مسلحانه مواد مخدر

با الهام از آموزه بازدارندگی در حقوق کیفری و جرم‌شناسی کلاسیک می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین دلایل پایداری احساس ناامنی در جامعه با وجود مدیریت کیفری جرایم و به‌ویژه جرایمی چون قاچاق مسلحانه مواد مخدر، بازتاب نامناسب آن برای شهروندان است. با وجود هزینه‌های گوناگون ناشی از پیاده‌سازی راهبردهای کنونی نظام عدالت کیفری در حوزه مواد مخدر و به‌ویژه هسته سخت آن یا قاچاق مسلحانه این مواد باز هم دیده می‌شود که شهروندان به‌خاطر ناآگاهی از این رویکردها حس ناامنی و نبود امنیت اجتماعی را همچنان با خود به‌همراه دارند. افزون بر این ممکن است دگرگونی‌های کنونی در زمینه پاسخ‌دهی به جرایم مواد مخدر نیز از سوی شهروندان و یا دست کم شماری از آنها نه به مفهوم یک سیاست کیفری علمی و پیشتر آزموده شده، بلکه به‌عنوان پاسخی ناگزیر و از سر ناتوانی نگریسته شود. همین امر نیز خود سبب می‌شود که شهروندان با باور مندی کاذب به چیرگی توان عملیاتی گروه‌های مجرمانه قاچاق مسلحانه مواد مخدر بر کنشگران نظام عدالت کیفری احساس ناامنی افزونی را دارا باشند که این وضعیت ممکن است حتی با استنباط ناتوانی نهادی این سازه از نظام اجتماعی، خود آنان را در آینده به ارتکاب جرایم گوناگون در جامعه تشویق کند.

از همین رو لازم است با استفاده از توانمندی‌های همه بازیگران اجتماعی هم پیوند با نظام عدالت کیفری همانند رسانه‌های دیداری و شنیداری، شبکه‌های اجتماعی مجازی و... اهتمام نظام عدالت کیفری در مبارزه‌ای کارآمد با قاچاق مواد مخدر بازتاب داده شود تا از این راه امنیت اجتماعی در میان شهروندان بیش از پیش تحقق یابد؛ زیرا از دیرباز در پژوهش‌های امنیت

اجتماعی، چگونگی پوشش رسانه‌ای پدیده‌های گوناگون و از جمله جرایم و آسیب‌های اجتماعی در تحقق امنیت اجتماعی مؤثر دانسته شده است.

۴-۱-۲. آگاه‌سازی جامعه از مخاطرات قاچاق مسلحانه مواد مخدر

مسیرهای ترانزیت مواد مخدر در روند قاچاق مسلحانه این اقلام با چالش‌های گوناگون امنیتی مواجه بوده و از همین رو همواره دغدغه‌ای مهم برای کنشگران نظام عدالت کیفری کشورمان به شمار می‌آید. افزون بر این، مبادی ورودی غیرمجاز و حتی مجاز کشور نیز از این ویژگی متأثر بوده و لازم است رویکردهای مناسب برای پیشینه‌سازی امنیت اجتماعی در این نقاط استوارانه در پیش گرفته شود.

یکی از رویکردهای یادشده که در توانمندسازی احساس امنیت شهروندان اثرگذار است، آگاه‌سازی جامعه از مخاطرات گوناگون هم پیوند با قاچاق مسلحانه مواد مخدر است. این روند افزون بر آنکه امنیت اجتماعی شهروندان را با مشاهده دغدغه سیاست کیفری ایران در مهار چالش‌های فراروی امنیت افزایش می‌دهد، سبب می‌شود که از توانمندی‌های جامعه‌ی — که در گفتار آتی بدان پرداخته خواهد شد — به خوبی استفاده شود.

برای نمونه لازم است اشاره شود که این جرم مقتضی قاچاق سلاح‌های غیرمجاز به داخل کشور است که خود چالش‌های بسیاری را علیه آماج‌های انسانی و حتی غیرانسانی همانند حیات وحش بر جای می‌گذارد. در نتیجه باید پذیرفته شود که رویکردهای سیاست کیفری ایران در برابر این جرم با هدف افزایش امنیت اجتماعی در جامعه در پیش گرفته می‌شود.

۴-۱-۳. مدیریت ترس از جرم از منظر قاچاق مسلحانه مواد مخدر

ترس از جرم اگرچه به تازگی در علوم اجتماعی و جرم‌شناسی مطرح شده است، اما اهمیت بسیاری در پی ریزی پاسخ‌های جامعه به بزهکاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی دارد. ترس از جرم به احساس ناامنی، دل‌نگرانی و اضطراب نسبت به امور جانی، مالی و روانی اطلاق می‌شود و ریشه در جامعه دارد (نیازی و دیگران، ۱۳۹۷، ص ۴۵) احساس ناامنی بدین مفهوم که در بازخورد از جرایم گوناگون متفاوت است، می‌تواند نتیجه‌ای مناسب برای ارزیابی میزان تحقق امنیت اجتماعی دانسته شود.

تردیدی وجود ندارد که ترس از جرم، وحشت و شوک روانی ناشی از بزه‌دیدگی، احساس

ناامنی و اضطراب ناشی از تحولات کمی و کیفی بزهکاری را بین مردم دامن می‌زند (ساریخانی، ۱۳۹۴، ص ۴۱) این پدیده که در جرایمی همانند قاچاق مسلحانه مواد مخدر به دلیل شمار کنشگران و نیز شدت خشونت ارتكابی آنان در مسیر انتقال مواد مخدر آشکارا دیده می‌شود، بر توانمندی‌های گوناگون نظام عدالت کیفری پیامدهایی ناگوار را بر جای برمی‌گذارد.

بی‌گمان ترس از جرم در جرایم خشونت باری همانند قاچاق مسلحانه مواد مخدر وجود دارد، اما بر پایه گوناگونی فرهنگی نمی‌توان آن را در سرتاسر جامعه یکسان دانست؛ چراکه ترس از جرم به‌عنوان یک مؤلفه جرم‌شناختی خود از عوامل گوناگون روانشناختی، اقتصادی، فرهنگی و... متأثر است. بدین ترتیب ترس از قاچاق برای اعضای برخی از خرده فرهنگ‌ها که مشروعیت بیشتری را برای این جرم قائل هستند، کمتر از دیگران است.

رویکرد افتراقی سیاست کیفری ایران در پدیداری دسته‌بندی میان بزهکاران مواد مخدر بر پایه سنجه‌های عینی چهارگانه هنگامی به نتایج مطلوب منجر می‌شود که ترس از جرم نسبت به مرتکبانی که بر پایه این ماده با ارفاق مواجه می‌شوند کمتر شود. این روند به جلوگیری از غیرخودی دانستن مرتکبان کم‌خطر در قلمرو قاچاق مسلحانه مواد مخدر انجامیده و با تأیید رویکرد ویژه سیاست کیفری ایران در سال ۱۳۹۶، به تحقق بیش از پیش امنیت اجتماعی منجر می‌شود.

۴-۱-۴. سیاست کیفری

پیدایش بلوک‌های منطقه‌ای در روزگار ما بیش از پیش بر اهمیت همکاری‌های کیفری بین‌المللی افزوده است. به موازات انباشت توانمندی‌های گروه‌های مجرمانه بین‌المللی، کشورهای گوناگون نیز با گردهم آیی ابزارهای خود می‌کوشند تا پاسخ‌های مناسبی را در برابر جرایم مخاطره‌آمیز نشان دهند. در این راستا باید خاطر نشان شود که هنگامی که بزهکاری جهانی می‌شود، پاسخ دهی به آن نیز باید جهانی شود (Jaishankar & Notty, 2013, p.3) این جهانی شدن از جمله به مفهوم دگردیسی از چهره هنجارمند جرم‌شناسی به گونه امنیتی آن است که می‌تواند امکانات مناسبی را برای مدیریت کیفری جامعه و به‌ویژه چیرگی بر پیامدهای جرایم فراملی و مخاطره‌آمیزی چون جرایم مواد مخدر در عصر جهانی شدن در اختیار کشورها قرار دهد.

در این میان، قاچاق مسلحانه مواد مخدر به‌خاطر ویژگی درگیرسازی کشورهای گوناگون در گذرگاه خود، بسیار نیازمند این همکاری‌ها به نظر می‌رسد. اگرچه از دیدگاه نظام‌های کیفری داخلی

چالش‌هایی در این راستا وجود دارد. این چالش‌ها شامل کشف اقدامات مجرمانه پنهان، انجام تحقیقات ازسوی مراجع گوناگون و گردآوری ادله و شواهد قابل قبول برای مراجع دادرسی کیفری است (Chaikin, Davidm & Sharman, 2009, p.115) در نتیجه دیپلماسی کیفری در کشورمان باید در راه چیرگی بر این مانع به منظور استفاده از توانمندی‌های موجود در همکاری‌های بین‌المللی به خوبی گام بردارد.

افزون بر این، به نظر می‌رسد که در صورت همانندی رویکردهای سیاست کیفری کشورهای دیگر در برابر قاچاق مسلحانه مواد مخدر به رویکردهای سیاست کیفری کشورمان، امنیت اجتماعی نیز فزونی یابد؛ چراکه امروزه جهانیان از جمله در موضوعات کیفری و مدیریت جرایم فراملی بیش از پیش به یکسانی فکری دست یافته‌اند. درک یکسانی رویکردهای سیاست کیفری کشورهای گوناگون به افزایش اعتماد در میان شهروندان و مشروعیت بیش از نظام‌های عدالت کیفری منجر می‌شود.

۴-۱-۵. دانش - بنیان ساختن پیشینه‌ای سیاست کیفری در برابر مواد مخدر

امروزه سیاست کیفری و نیز سیاست جنایی از یک دیدگاه به دو دسته علمی و نیز توده‌گرا تقسیم می‌شود. سیاست‌های علمی بر پایه آموزه‌های شاخه‌های گوناگون علوم جنایی است و کنشگران آن می‌کوشند تا در بازه‌های زمانی مشخص اهدافی از پیش برنامه ریزی شده را در قبال مدیریت کیفری جرایم گوناگون محقق سازند.

در مقابل سیاست کیفری و نیز سیاست جنایی توده‌گرایانه تنها بر ارائه پاسخ‌های فوری به منظور جلب رضایت افکار عمومی استوار است، بدون آنکه راهبردهای علمی و پیشتر آزموده شده در پیش گرفته شود. جرایم مواد مخدر نیز به دلیل پیشینه آشکار خود و انتظار افکار عمومی مبنی بر مدیریت آن همواره در معرض خطر پیاده‌سازی رهیافت‌های توده‌گرایانه قرار دارد.

بر این پایه تردیدی وجود ندارد که هر اندازه که دست اندرکاران سیاست کیفری با دوری گزینی از رویکردهای توده‌گرایانه در راه دانش — بنیان ساختن سیاست کیفری در حوزه مواد مخدر بکوشند، در هنگام پیاده‌سازی راهبردهای کیفری سختگیرانه‌ای همانند مجازات افساد فی الأرض برای این بزه‌کاران، اعتماد افکار عمومی به راهکنش پیش گفته پدید آمده و امنیت اجتماعی نیز بیش از پیش محقق می‌شود. حال آنکه در صورت باورمندی دست کم بخشی از افکار عمومی به

توده گرایی سیاست کیفری، راهبردهای پیش گفته نه تنها امنیت اجتماعی را محقق نمی‌کند، بلکه در مقابل به مفهوم خشونت گرایی نظام عدالت کیفری و حتی رخداد پدیده‌ای چون بی‌اعتمادی به آن نیز منجر می‌شود.

۴-۱-۶. گسترش آشنایی با آموزه‌های علوم جنایی در میان افکار عمومی

گسترش بیش از پیش آموزش و پژوهش علوم جنایی در ایران دهه‌های گذشته، امیدواری‌ها را برای همراهی هر چه بیشتر شهروندان با راهبردهای گوناگون سیاست کیفری و نیز سیاست جنایی افزایش داده است.

رخدادهایی همانند شکوفایی دنیای مجازی و پیدایش جامعه دیجیتال سبب شده است که همگام با دیگر شهروندان جامعه جهانی، افکار عمومی کشورمان نیز به ارزیابی پاسخ‌های عملیاتی نظام عدالت کیفری در برابر پدیده مجرمانه بپردازد.

در این راستا آشنایی با انگاره‌های جهانی کیفرشناختی همانند باورمندی به تحدید مجازات اعدام اگرچه گاه سبب نکوهش سیاست کیفری ایران به خاطر پیاده‌سازی این مجازات در قبال برخی از محکومین جرایم مواد مخدر می‌شود، اما با آگاهی از آموزه‌های جامعه‌شناسی جنایی و نیز جرم‌شناسی امنیت مدار - که روز به روز بر پابندی سیاست کیفری کشورهای غربی بدان افزوده می‌شود - امکان همراهی افکار عمومی با این راهبردها و در نتیجه اعتماد و امنیت اجتماعی ناشی از آن افزایش می‌یابد.

۴-۲. پیامدهای مدیریت چالش‌های امنیت اجتماعی در مبارزه با قاچاق مسلحانه مواد مخدر

پیروزمندی در مدیریت چالش‌های امنیت اجتماعی در مبارزه با قاچاق مسلحانه مواد مخدر می‌تواند پیامدهای سازنده‌ای را به همراه آورد. این پیامدها در ادامه و در چهارچوب دو حوزه مواد مخدر و حوزه فرامواد مخدر از نظر گذراننده می‌شود.

۴-۲-۱. پیامدهای حوزه مواد مخدر

برخی از پیامدهای یادشده ناظر به حوزه مواد مخدر است و می‌تواند افزون بر قاچاق مسلحانه حتی دیگر گونه‌های جرایم مواد مخدر را که بر اثر پیشرفت‌های علمی روز به روز نیز بر شمار آنها

افزوده می‌شود، پوشش دهد. در ادامه دو مورد از این پیامدها از نظر گذراننده می‌شود.

الف) مشارکتی‌سازی پاسخ‌دهی به قاچاق مسلحانه مواد مخدر

با وجود آنکه در برابر جرایم پر مخاطره‌ای همانند قاچاق مسلحانه مواد مخدر پیاده‌سازی پاسخ‌های سرکوبنده‌ای چون اعدام و حبس لبد اهمیت فراوانی دارد، با وجود این می‌توان در پرتو راهکارهایی همانند درگیر ساختن جامعه مدنی در این پاسخ، از فشار کار نظام عدالت کیفری در این قلمرو کاست و امکان تحقق بیش از پیش اهداف آن را از مدیریت کیفری مواد مخدر افزایش داد. مواد مخدر و ترانزیت آن، به دلیل مجاورت ایران با محور هلال طلایی به‌عنوان تولیدکننده حدود ۸۰ درصد مواد افیونی در دنیا، قرار گرفتن در مسیر مبدا (افغانستان و پاکستان) و مقصد (ترکیه و اروپا)، و تاثیرات مخربی که گذشته از روستاها و مناطق مرزی، در درون کشور بر جای گذاشته، و هزینه‌های زیادی را به ملت تحمیل نموده، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (عزتی و سوار رخش، ۱۳۹۲، ص ۴۷). بنابراین استفاده از مزلیای کنشگری بدلنه جامعه در راه پاسخ‌دهی به این جرم مناسب به نظر می‌رسد.

یکی از جلوه‌های مهم مشارکتی‌سازی به مفهوم پیش گفته، کوشش در راه برچیده‌شدن بازارهای مصرف این مواد در کشورمان و نیز مجاری ترانزیت مواد مخدر است. در واقع بسیاری از روندهای قاچاق مسلحانه مواد مخدر با انجام تحلیل هزینه - فایده روی می‌دهد و همراهی نکردن شهروندان با مقاصد گروه‌های پیش گفته می‌تواند هزینه ارتکاب این جرایم را برای آنها افزایش داده و در نتیجه از اشتیاق آنها برای ارتکاب جرم — که با افزایش آگاهی‌های حاکمیتی و جامعه‌وی و نیز استفاده از فناوری‌های نوین در راه پیگرد و سزادهی مجرمان روز به روز نیز پرهزینه تر می‌شود — می‌کاهد.

ب) مدیریت کیفری گونه‌های دیگر جرایم مواد مخدر

به‌طور کلی جرایم حوزه مواد مخدر گستردگی و شمارگان بسیاری دارد و این امر خود همواره چالش‌های بسیاری را برای نظام‌های عدالت کیفری به‌همراه آورده است. به همین خاطر است که بسیاری از کنشگران سیاست‌های کیفری عوامگرا کانون توجه خود را برای جلب پشتیبانی افکار عمومی بر مدیریت جرایم مواد مخدر قرار داده‌اند. امروزه به ندرت می‌توان نظام کیفری رایافت که به شکل‌های مختلف تحت تاثیر اندیشه‌های عوام‌گرایانه قرار نگرفته باشد. مطالعه سیاست‌های کیفری نظام‌های مختلف نشان می‌دهد که جلوه‌های نفوذ عوام‌گرایی کیفری با درجات شدید و

ضعیف در بسیاری از کشورها قابل مشاهده است (مقدسی و فرجیها، ۱۳۹۲، ص ۱۰۷).

در این گستره آشکار از جرایم زیانبار، قاچاق مسلحانه مواد مخدر اهمیت بسیاری دارد و خود به‌عنوان مقدمه‌ای بدیهی برای ارتکاب دیگر گونه‌ها شناخته می‌شود؛ چراکه این جرم سبب می‌شود ملزومات مجرمانه در بازارهای مقصد فراهم شود و سپس پیامدهای گوناگون اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و روانشناختی ناشی از مواد مخدر پدید آید؛ بنابراین مدیریت مناسب قاچاق مسلحانه مواد مخدر در پرتو سیاست کیفری روزآمد و افزایش احساس امنیت از رهگذر آن می‌تواند نظام کیفری را در مهار دیگر جرایم ارتكابی در این قلمرو نیز پیروزمند سازد.

به عبارت دیگر، احساس امنیت هر چه بیشتر شهروندان از عملکرد مناسب سیاست کیفری در برابر قاچاق مسلحانه مواد مخدر، اعتماد آنان را به تکرار این عملکرد در برابر دیگر گونه‌های جرایم مخدر به همراه می‌آورد. پیامد آشکار این رویداد نیز افزایش مشروعیت حاکمیت و به‌ویژه سازه نظام عدالت کیفری و تشدید توان عملیاتی آن در برابر توده‌های بزهکاری در جامعه است.

۴-۲-۲. پیامدهای فراحوزه مواد مخدر

کامیابی در افزایش امنیت اجتماعی در مهار قاچاق مسلحانه مواد مخدر می‌تواند پیامدهای سازنده‌ای را در دیگر حوزه‌های کیفری نیز پدید آورد که در ادامه بدانها پرداخته می‌شود.

الف) توانمندی در مدیریت جرایم پُرریسک دیگر

امنیت اجتماعی ناشی از پیروزمندی سیاست کیفری ایران در برابر قاچاق مسلحانه مواد مخدر، الگویی را برای مهار پیامدهای ناشی از دیگر جرایم پُرریسک به دست می‌دهد. رویداد فراوان این جرم به دلیل سودآوری آن سبب آماده‌باش نظام عدالت کیفری در برابر جرایم دیگر نیز می‌شود. از همین رو احساس امنیت برخاسته از درک آمادگی نظام کیفری برای پاسخ‌دهی فوری و علمی به مخاطرات گوناگون جرم‌شناختی در جامعه پدید می‌آید.

مطالعه جامعه‌شناختی جرایم پُرریسکی همانند قاچاق مسلحانه مواد مخدر نشان می‌دهد که این جرایم ضمن دنبال‌کردن هدف اصلی خود، احتمال رخداد جرایم هم‌پیوند دیگری را نیز پدید می‌آورد. برای نمونه، قاچاق سلاح، قتل عوامل مخمل در روند قاچاق در میان کنشگران نظام عدالت کیفری و حتی اعضای گروه‌های رقیب یا شهود جرم در میانه کنش‌های مجرمانه این گروه‌ها انجام می‌شود؛ بنابراین مدیریت کیفری مناسب این جرم نشان دهنده توانمندی نظام عدالت کیفری است

و ضمن آنکه به رخداد احساس امنیت در جامعه منجر می‌شود، سبب می‌شود که زمینه مناسبی برای نقش آفرینی نظام عدالت کیفری در پاسخ‌دهی به دیگر جرایم پریسک نیز فراهم آید و از این دیدگاه بر میزان امنیت اجتماعی در جامعه افزوده شود.

ب) به‌زماداری کیفری

امروزه و در دوران چیرگی ارزش‌های دموکراتیک در جهان، به‌زماداری انتظاری طبیعی از حاکمیت‌ها است. بر این پایه، عملکردهای هر یک از سازه‌های حاکمیت از دیدگاه دست‌یابی به اهداف از پیش برنامه‌ریزی شده خود ارزیابی می‌شود و رخداد پیامدهای سازنده و یا مطلوب آتی گاه به این ارزیابی بستگی دارد.

از چشم‌انداز کاربست‌های نظام عدالت کیفری به‌عنوان سازه عملیاتی حاکمیت در برابر بزهکاری باید خاطر نشان شود که رواج الگوی دولت — رفاه و نیز مدل سیاست جنایی مردم سالار این روند انتظار برای به‌زماداری کیفری را تشدید کرده است. پیشتر نیز گفته شد که جرم تهدیدی پلیدار برای جوامع انسانی به شمار می‌رود و اگرچه همان گونه که دورکیم نیز تأکید کرده، پلیده بزهکارانه دارای کارکردهای ویژه‌ای برای جامعه است، (کوزر، ۱۳۹۳، ص ۴۹) باز هم هزینه‌های ناشی از جرم و برای نمونه جرایمی همانند قاچاق مسلحانه مواد مخدر یکی از دغدغه‌های کنشگران حاکمیتی یا جامعه‌ی ذیربط را تشکیل می‌دهد.

جایگیری ایران در مسیر بین‌المللی ترانزیت مواد مخدر از افغانستان به اروپا و آمریکای شمالی اهمیت به‌زماداری کیفری را از سوی نظام عدالت کیفری کشورمان در این راه نشان می‌دهد. پاسخ‌دهی مناسب به قاچاق مسلحانه مواد مخدر که بر پایه معاییر عینی می‌تواند میزان امنیت اجتماعی ناشی از آن را نیز نشان دهد، به مفهوم به‌زماداری کیفری حاکمیت در برابر این جرم پررخداد است.

ج) افزایش سرمایه اجتماعی

دیگر پیامد مهم ناشی از بهبود امنیت اجتماعی در مدیریت کیفری قاچاق مسلحانه مواد مخدر، افزایش سرمایه اجتماعی است. این دانش — واژه جامعه‌شناسی اهمیت بسیاری از چشم‌انداز مشروعیت بیش از پیش حاکمیت و به‌ویژه سازه عملیاتی آن در برابر جرم یا نظام عدالت کیفری دارد.

امروزه این باور وجود دارد که به دلیل دگرگونی‌های معرفت‌شناختی نظام عدالت کیفری که خود متأثر از افزایش روندهای انسان‌گرایی است، حقوق کیفری بیش از پیش از حالت هژمونیک خود خود خارج شده و نیازمند مشارکت اجتماعی شهروندان برای انجام رسالت‌های خود است؛ زیرا بی‌اعتنایی شهروندان به آموزه‌های کیفری سبب پیدایش قوانین متروک می‌شود و این وضعیت به دلیل نمایش نبود پیوند مناسب و نیز درک هماهنگ از ارزش‌های اجتماعی میان حاکمیت و جامعه به نابودسازی سرمایه اجتماعی منجر می‌شود.

یکی از مهم‌ترین وظایف دولتها، کنترل جرم و تأمین امنیت شهروندان است. وقوع جرایم در هر جامعه‌ای، تهدیدی جدی علیه نظم و امنیت تلقی می‌شود و موجب نارضایتی شهروندان از عملکرد دولت در انجام وظایفش می‌گردد (عزیزی و میرخلیلی، ۱۳۹۹، ص ۲۲۱) وجود امنیت اجتماعی ناشی از پاسخ‌دهی مناسب به قاچاق مسلحانه مواد مخدر، نشان‌دهنده رضایت افکار عمومی از دگرپرسی راهبردهای قانونگذار کیفری بر پایه تحولات گوناگونی است که در قلمرو جرایم مواد مخدر روی می‌دهد. در نتیجه سرمایه اجتماعی پدیدآمده از این راه در مدیریت کیفری دیگر ساحت‌های جامعه نیز اثر بسیاری دارد.

(د) نمایش امکان سازگاری با جهانی‌شدن کیفرشناسی

رهیافت‌هایی چون الغای مجازات اعدام و نیز تحدید مجازات حبس بیش از پیش اندیشه جهانی‌شدن کیفرشناسی و شتاب روزافزون نظام‌های عدالت کیفری ملی را برای پیوستن به این روند نشان می‌دهد. با وجود موانعی در حقوق کیفری ایران در این راستا همانند مجازات‌های شرعی تردیدی وجود ندارد که امروزه نظام عدالت کیفری ایران در بسیاری از گونه‌های پاسخ‌دهی خود به پدیده مجرمانه، این روند را در نظر داشته است.

از آنجاکه در دوران چیرگی ارزش‌های دموکراتیک، رضایت‌مندی افکار عمومی از راهبردهای نظام عدالت کیفری در برابر جرایم و به‌ویژه جرایم پریسکی همانند قاچاق مسلحانه مواد مخدر و در نتیجه پررنگ‌شدن امنیت اجتماعی بیش از پیش مفهوم امنیت اجتماعی را محقق می‌کند، انتظار می‌رود با استفاده از آموزه‌های به دست آمده از دکترین بین‌المللی کیفرشناسی در راه مدیریت جرایم گوناگون مواد مخدر و از جمله قاچاق مسلحانه آن، اهدافی همانند پیشینه‌سازی امنیت اجتماعی تحقق یابد.

این روند در صورت بازتاب مناسب آن برای جامعه می‌تواند اهمیت آشکار دادوستد نظری با نظام‌های کیفری دیگر را نشان دهد و همانند رویکردهای سیاست کیفری تقنینی در قلمروهای شکلی و ماهوی حقوق کیفری در سال ۱۳۹۲، در آینده نیز به ورود اندیشه‌های کیفری سودمند به جامعه و بهره‌مندی از مزایایی چون احساس امنیت منجر شود.

ه) توجه بیشتر به مفهوم بازدارندگی حاشیه‌ای

بازدارندگی حاشیه‌ای یکی از مباحث نظریه بازدارندگی است و در مقابل بازدارندگی مطلق بیان شده است. گونه مطلق از بازدارندگی مفهومی است که دارای نظامی شکلی از مجازات‌هایی است که از ارتکاب جرم جلوگیری می‌کند. بازدارندگی حاشیه‌ای نیز به پیامدهای بازدارنده یک مجازات در مقایسه با مجازاتی دیگر اشاره دارد و بررسی می‌کند که آیا افزایش مجازات به کاهش ارتکاب جرم می‌انجامد یا نه؟ برای نمونه این پرسش مطرح می‌شود که آیا افزایش مجازات زندان برای جرم سرقت به کاهش نرخ ارتکاب جرم خاصی منجر می‌شود یا خیر.

شواهد تجربی برای مطالعه بازدارندگی حاشیه‌ای ارائه شده است. بررسی داده‌های مجموعه‌ای از جرایم آدم ربایی در ساردینیا بین سال‌های ۱۹۶۰ تا ۲۰۱۲ نشان می‌دهد که تغییرات گسترده در سیاست جنایی ایتالیا در مورد مجازات‌های آدم ربایی و تأثیرات مرتبط با آن در قتل‌ها در نظر گرفته شده است. قتل‌های ناشی از آدم ربایی با افزایش مجازات آن بالا رفته و باعث کاهش حکم حاشیه‌ای برای قتل می‌شود. میزان قتل پس از پیش‌بینی افزایش مجازات‌ها، افزایش یافته است (Holmes, 2006, p.73) بدین ترتیب بازدارندگی حاشیه‌ای راهبردی مناسب است که باید بیش از پیش در دستور کار کنشگران سیاست کیفری در سطوح گوناگون قرار گیرد.

بر این پایه، افزایش مجازات قاچاق مسلحانه مواد مخدر برای مرتکبانی که رفتار آنان با مصادیق یادشده در بندهای چهارگانه ماده واحده منطبق است، در صورتی می‌تواند امنیت اجتماعی را بیش از پیش محقق کند، که بر پایه پیمایش‌های میدانی از کاهش ارتکاب جرم در میان آنان و یا بزهکاران هم پیوند اطمینان حاصل شود. در این صورت با تسری این رویکردها سیاست کیفری تقنینی در برابر دیگر جرایم می‌توان انتظار داشت که بازدارندگی حاشیه‌ای به مفهوم پیش گفته به افزایش امنیت اجتماعی در جامعه منجر شود.

نتیجه

امنیت اجتماعی یکی از مطالبات مهم شهروندان از حاکمیت‌هاست و پدیدارسازی آن به‌زمامداری را محقق می‌سازد. مدیریت کیفری جامعه یکی از مهم‌ترین بسترهایی است که امنیت اجتماعی را پدید می‌آورد. از همین رو ارزیابی میزان و یا چالش‌های فراروی تحقق این سنججه در هریک از قلمروهای عملیاتی نظام عدالت کیفری دارای اهمیت است و می‌تواند پیامدهای خوشایند یا نامطلوب گوناگونی را به‌همراه آورد.

جرایم پرریسکی همانند جرایم مواد مخدر و به‌ویژه قاچاق مسلحانه مواد مخدر امنیت اجتماعی شهروندان و از جمله احساس امنیت آنان را آشکارا آماج خود قرار می‌دهد. از همین رو چگونگی پردازش سیاست کیفری در برابر این جرم در تحقق سنججه پیش‌گفته و نیز پیامدهای مورد انتظار آن بسیار اثرگذار است. این پاسخ‌دهی هنگامی می‌تواند به تحقق قابل انتظار امنیت اجتماعی منجر شود که نگرش‌های شهروندان پرامون واکنش‌های کیفری مناسب با توجه ماهیت جرایم این حوزه نیز در نظر گرفته شود.

تحولات جهان بزهکاری و پیشرفت‌های شتابان گروه‌های بزهکاری بین‌المللی فرصت‌های نوینی را برای شبکه‌های کنشگر در قلمرو قاچاق مسلحانه مواد مخدر افزوده و بر میزان مخاطرات آنان برای جامعه افزوده است. از همین رو پاسخ‌دهی به این جرم در سیاست کیفری باید سازگار با ویژگی‌های گوناگون مخاطرات پیش‌گفته باشد تا امنیت اجتماعی نیز به‌خوبی محقق شود.

رویکرد افتراقی و ریسک‌مدار قانونگذار کیفری ایران در برابر قاچاق مسلحانه مواد مخدر تا اندازه بسیاری از چشم‌انداز پدیداری امنیت اجتماعی در جایگاهی مناسب قرار دارد. با وجود این از آنجاکه مجازات اعدام با وجود تحدید آشکار آن در سامانه کیفری ایران همچنان در مورد پاره‌ای از جلوه‌های قاچاق مسلحانه مواد مخدر بر جای مانده باید پیوندهای آن با امنیت اجتماعی به‌خوبی ارزیابی شود. این روند از یک سو بر پایه جایگاه مجازات‌های سالب حیات در آموزه‌های کیفرشناختی و از سوی دیگر با توجه به نگرش‌های شهروندان به این گونه از پاسخ‌دهی انجام می‌شود.

پایداری بازار جهانی مواد مخدر و سودآوری آشکار آن با وجود نوسانات گوناگون مالی و اقتصادی در جهان، قاچاق مسلحانه مواد مخدر را به‌صورت تهدیدی دائمی فراروی جوامع انسانی درآورده است. افزایش هزینه ارتکاب این جرم در نتیجه توانمندسازی بیش از پیش نظام‌های عدالت کیفری سبب واپس روی گروه‌های بزهکاری نشده است. از همین رو رویکرد تحدید مجازات‌های

اعدام و حبس ابد بدین خاطر که هسته سخت این بزهکاران را با تهدیدی دشوار روبه رو می‌کند، اهمیت دارد و همچنان در فهرست پاسخ‌های سیاست کیفری ایران در برابر قاچاق مسلحانه مواد مخدر دیده می‌شود.

با وجود این امنیت اجتماعی ناشی از این رویکرد افتراقی سیاست کیفری ایران از عوامل گوناگون دیگری نیز متأثر است. مؤلفه‌های عینی همانند چگونگی برداشت‌های اجتماعی از راهکنش‌های نظام عدالت کیفری در این باره، بازتاب کنش‌های یادشده در رسانه‌ها و... در مدیریت پدیده‌هایی همانند ترس از جرم در قلمرو قاچاق مسلحانه مواد مخدر و در نتیجه پدیداری امنیت اجتماعی بیشینه‌ای اثرگذار است. در نتیجه ارزیابی میزان امنیت اجتماعی ناشی از سامانه پاسخ‌دهی کیفری به مجازات قاچاق مسلحانه مواد مخدر به‌ویژه در صورت محکومیت مرتکب به مجازات افساد فی‌الأرض باید با توجه به عوامل گوناگون عینی پیش گفته انجام شود.

محکومیت جهانی و فزاینده اعدام نظام عدالت کیفری ایران را که با توجه به ماده ۲۸۶ ق. م. ا و نیز قوانین مواد مخدر می‌تولند مجازات افساد فی‌الأرض را در این قلمر پیاده کند، در راه پدیداری بیشینه‌ای امنیت اجتماعی شهروندان با چالش‌هایی همراه می‌کند. از همین رو هنگامی امنیت اجتماعی برای شهروندان از رهگذر اصدار مجازات سختگیرانه پیش گفته تحقق می‌یابد که منطق این پاسخ سالب حیات در پرتو راهبردهای گوناگون در دسترس نظام عدالت کیفری برای افکار عمومی روشن شود. در غیر این صورت ممکن است نتیجه‌ای معکوس پدید آمده و با استنباط خشونت نهادین نظام کیفری، احساس ناامنی و فراتر از آن آشفتنگی اجتماعی نیز از رهگذر سزادهی به جرایم مواد مخدر در جامعه پدید آید.

منابع

۱. احمدی، احمد و محسن رضایی؛ «آثار جهانی شدن جرم در قلمرو حقوق کیفری شکلی ایران»، مجله پژوهش حقوق کیفری؛ ش ۱۴، بهار ۱۳۹۵، ص ۱۱۵-۱۴۴.
۲. ساریخانی، عادل؛ «نقش عوام‌گرایی سیاستمداران غربی در ظهور سیاست کیفری خشن»، مجله نقد کتاب «فقه و حقوق»؛ ش ۲، ۱۳۹۴، ص ۴۱-۵۲.
۳. سلمانپور، عباس و اسماعیل هادی تبار؛ «سیاست جنایی تقنینی ایران در پذیرش الزامات پیشگیرانه کنوانسیون مریدا»، مجله سیاست جهانی؛ ش ۱، بهار ۱۳۹۳، ص ۲۶۹-۳۰۰.
۴. عزتی، عزت‌الله و احمد سوار رخش؛ «ابعاد تهدید و ناامنی در طول مرزهای شرقی ایران با تأکید بر ترانزیت مواد مخدر»، مجله پژوهشنامه خراسان بزرگ؛ ش ۱۲، پاییز ۱۳۹۲، ص ۴۷-۶۲.
۵. عزیزی، سمیه و سید محمود میرخلیلی؛ «ارتباط نظریه قوچ قربانی و عوام‌گرایی کیفری و تأثیر آن بر سیاست کیفری ایران»، مجله پژوهش‌های حقوقی؛ ش ۴۱، بهار ۱۳۹۹، ص ۲۲۱-۲۴۲.
۶. کوزر، لیویس؛ زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی؛ برگردان محسن ثلاثی؛ چ ۸، تهران: نشر نی، ۱۳۹۳.
۷. مقدسی، محمدباقر و محمد فرجیها؛ «بسترهای ظهور عوام‌گرایی کیفری»، مجله نامه مفید؛ ش ۲۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، ص ۱۰۷-۱۲۸.
۸. میرخلیلی، سید محمود، علی عسگری مروت و مجتبی بهرامی‌گرو؛ «نقش عدالت سازمانی در پیشگیری از فساد اداری»، پژوهشنامه حقوق کیفری؛ ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۹، ص ۲۷۵-۲۹۶.
۹. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و امیرحسن نیازپور؛ سیاست جنایی (مندرج در دانشنامه علوم جنایی اقتصادی)؛ چ ۱، تهران: انتشارات بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۶.
۱۰. نیازی، محسن، طاها عشایری و الهام عباسی؛ «واکاوی ترس از جرم در ساختار اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن»، مجله پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی؛ ش ۵۲، زمستان ۱۳۹۷، ص ۳۳-۵۲.
۱۱. وروایی، اکبر و قاسم کوهزادیان؛ «تأثیر قاچاق سلاح و مهمات عبوری از مرزهای غربی بر وقوع جرایم مسلحانه»، مجله علوم و فنون مرزی؛ ش ۱۲، بهار ۱۳۹۴، ص ۳۵-۶۸.
12. Britto, Sarah, Noga _Styron, Krystal, "Media Consumption and Support

for Capital Punishment", *Criminal Justice Review*, Vol 39, Issue 1, March 2014, p 81-100.

13. Brooks, Graham, *Criminology of Corruption: Theoretical Approaches*, Volverhampton, 1st ed, Uited Kingdombn, London, Palgrave MacMillan Publishing, 2016.
14. Chaikin, David, Sharman, J. C, *Corruption and Money Laundering: A Symbiotic Relationship*, New York, Palgrave Macmilan, 2009.
15. Holmes, Ronald M, *Criminology: Theory, Research and Policy*, London, 2006.
16. Jaishankar, Kin, Notty, Ronel, *Global Criminology; Crime and Victimization in a Globalized Era*, London, CRC press, 2013.
17. Munchi, Jhon, Laughlin, Eughen, *The Sage Dictionary of Criminology*, 3rd edition, Sage Publication, London, 2013.
18. Piquero, Alex, *the Handbook of Criminological Theory*, First published Sage Publication, London, 2016.
19. Wilson, David, *Capital Punishment*, cited in: *The Sage Dictionary of Criminology*, Los Angeles, 2013.